

جمهوری اسلامی باید برود!

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

جمهوری اسلامی باید برود. این خواست و آرزوی اکثریت مردم ایران است. این حکم را کارگران، زنان، جوانان، دانش‌جویان در شورش‌های شهری، تظاهرات‌ها، اعتصاب‌ها و حتا در نمایش‌های انتخاباتی رژیم نیز بارها فریاد زده‌اند.

روز نهم اسفند ماه ۱۳۸۱، بار دیگر زنگ خطر برچیده شدن بساط وحشیانه جمهوری اسلامی، طوری به صدا درآمد که سردمداران رژیم، هر کدام با زبان‌های مختلف اقرار کرده‌اند که صدای انقلاب شما را شنیدیم. همان‌طور که «اعلی‌حضرت همایونی» نیز اشک‌ریزان و از موضع ضعف گفت که من هم صدای انقلاب شما را شنیدم». او، زمانی که با اوج و عظمت انقلاب روبه‌رو شد به التماس افتاد و گفت، به من فرصت به دهید تا خواسته‌های برحق شما را برآورده سازم. مردم می‌دانستند که همه دیکتاتورها، زمانی که قدرت دارند می‌گیرند و می‌بندند و می‌کشند، اما به محض این که با مقاومت و پیکار میلیونی مردم روبه‌رو می‌شوند، به دريوزگی و زبونی می‌افتند و به هر توطئه و حيله‌ای متوسل می‌شوند تا بلکه حاکمیت خود را نجات دهند.

این انتخابات ظاهراً با کشمکش چندانی روبه‌رو نبود، شورای نگهبان مانند سابق فضولی زیادی نکرد و علاوه بر جناح‌های درون رژیم، جریان‌های دیگری نیز مانند نهضت آزادی شرکت داشتند و در خارج کشور نیز طیف توده‌ای - اکثریتی و شخصیت‌های نزدیک به این طیف از مردم دعوت کرده بودند که در این مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی شرکت کنند. با این وجود اکثریت افراد واجد شرایط این انتخابات را تحریم کردند و آینده جمهوری اسلامی و طرفداران «دوم خرداد» در خارج کشور را تیره و تار ساختند. مردم فراموش نکرده‌اند که طیف توده‌ای - اکثریتی، خواهان این بودند که سپاه پاسداران به سلاح سنگین مسلح بشود و مردم ترکمن صحرا، کردستان، خوزستان و کمونیست‌ها را به خاک و خون بکشد. مردم فراموش نکرده‌اند که این جریان‌ها از ریاست جمهوری خامنه‌ای، رفسنجانی و خاتمی حمایت کرده‌اند و با وجود این که رژیم جمهوری اسلامی، هنوز این‌ها را در ظاهر به بازی نمی‌گیرد، اما این‌ها هم‌چنان به وظایف خود در قبال حاکمیت عمل می‌کنند؟! در هر صورت جواب مردم به این‌ها و به ویژه به رژیم، جواب دندان‌شکن و محکمی بود!

پس از انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، سردمداران جمهوری اسلامی، به فکر چاره‌جویی افتاده‌اند. جمهوری اسلامی، در این انتخابات با بایکوت سیاسی جامعه روبه‌رو شد و حدود ۲۵ تا

۲۹ میلیون از افراد واجد شرایط در انتخابات شرکت نکردند.

یکی از روزنامه‌های دوم خرداد، به نام «آفتاب یزد»، در یادداشت روز دوشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۸۱ خود در رابطه با بی‌تفاوتی سیاسی مردم تهران و شهرهای بزرگ نوشت: «تحریک طبیعی و بدون سازمان یافته را هیچ‌کس باور نمی‌کرد. عدم شرکت مردم در انتخابات ۹ اسفند این اهرم را تضعیف و به موقعیت جهانی ایران لطمه زد. ۱۴ میلیون نفر ایرانی در ۱۸ خرداد سال ۸۰ در انتخابات شرکت نکردند خیلی‌ها باورشان شد که این رقم پس از ۱۸ ماه به ۲۵ میلیون نفر افزایش می‌یابد!». این روزنامه در ادامه مطلب خود افزود: «نتایج انتخابات دومین دوره شوراها در پایتخت و شهرهای بزرگ همگان را غافلگیر و شگفت زده کرد، تحریم طبیعی و بدون سازمان یافته را هیچ‌کس باور نمی‌کرد. شرکت ۳۹ درصدی مردم در سراسر کشور و حدود ۱۰ درصد در کلان شهر تهران از دید صاحب‌نظران و مقامات دولتی می‌تواند به عنوان یک پدیده جدید که لازم است بدان پرداخته شود در عرصه کشور مورد نقد، تجزیه و تحلیل تا رسیدن به علل و عوامل نارضایتی مردم تعقیب و دنبال شود». این روزنامه، همچنین هشدار داد: «چنان‌چه پیام عدم شرکت مردم در انتخابات اخیر به خوبی دریافت نشود از هم اکنون می‌توان پیش‌بینی کرد انتخابات مجلس هفتم که کم‌تر از یک سال دیگر برگزار خواهد شد، رقم مذکور باز هم افزایش یابد، هنگامی که مردم انتخابات را تحریم می‌کنند و یا با درصد کمی حضور پیدا می‌کنند نتیجه برنده ندارد اما در انتخابات اخیر اصلاح‌طلبان شکست خوردند و محافظه‌کاران پیروز شدند».

محمد خاتمی رییس‌جمهور ایران، با نگرانی از نتایج انتخابات گفت: «انتخابات اخیر درس‌هایی داشت که نگرانی ما را نسبت به آینده مطلوب انقلاب اسلامی افزون کرد. آن‌چه که در این موقعیت اتفاق افتاد یک زنگ خطر است».

مرتضی مبلغ، رییس ستاد انتخابات جمهوری اسلامی و معاون سیاسی وزیر کشور گفت: «نتیجه انتخابات شوراها، شهر و روستا به عنوان یک پدیده جدید با توجه به مشارکت کم مردم در برخی شهرهای بزرگ و مهم کشور باید به عنوان یک هشدار ملی تلقی شود». وی که در یک نشست خبری در جمع خبرنگاران رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی سخن‌رانی می‌کرد، افزود: «هیچ آسیبی بالاتر از این برای یک نظام نیست که مردم با حرف زدن و عدم حضور در پای صندوق‌های رای حرف خودشان را بزنند...». مبلغ، در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسید آیا مشارکت کم مردم زنگ خطری برای انتخابات آتی و جریان‌ات نیست؟ جواب داد: «کاهش مشارکت مردم برای هیچ نظامی تحلیل مثبتی به همراه ندارد...».

هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، در خطبه‌های نماز جمعه ۱۶ اسفند ۱۳۸۱،

در تهران در تحلیلی از نتایج انتخابات شوراهای اسلامی گفت: «بهتر است به جای این که همدیگر را متهم کنیم به واقعیت‌ها برسیم. آن‌هایی که می‌خواهند نتایج این انتخابات را تحلیل کنند، تحلیل‌های یک جانبه، باندی، جهت‌دار و در جهت خواسته‌های خودشان نکنند». وی، در ادامه سخنانش افزود: «امروز ما شاهد تنزل بیش‌تر حضور مردم هستیم که اتفاق میمونی نیست».

بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی، به تکاپو افتاده است که چه ترفندی به کار ببرد تا مردم را به پای صندوق‌های رای انتخابات مجلس هفتم بکشاند. در هر صورت کارشناسان و تحلیل‌گران این رژیم نیک می‌دانند که مردم، یک شبه از رژیم رویگردان نشده‌اند، بلکه ۲۴ سال عملکرد جانیانه و وحشیانه آن‌ها را به این آگاهی رسانده است تا کل جمهوری اسلامی و جناح‌های رنگارنگ آن را نخواهند. چرا که جمهوری اسلامی، رژیم آپارتاید جنسی، رژیم صد هزار اعدام، رژیم سانسور و اختناق، رژیم ضد زن و رژیم ستم‌گر و سرکوبگر است. عدم شرکت مردم در انتخابات اخیر رشد آگاهی و بلوغ اجتماعی جامعه ایران را نشان می‌دهد.

آن جریان‌های سیاسی و شخصیت‌هایی که هنوز امید خود را به اصلاحات در درون این رژیم دوخته‌اند و کوچک‌ترین حرکت رژیم را به حساب «فضای باز سیاسی» و «دمکراسی» و «اصلاحات» می‌گذارند، آب در هاون می‌کوبند. رژیم جمهوری اسلامی، پس از این همه جنایت‌های جز سقوط به گورستان تاریخ ندارد. آن‌هایی که مردم را از سرنگونی جمهوری اسلامی، با یک انقلاب اجتماعی می‌ترسانند، هر چند که اختلافاتی نیز با جمهوری اسلامی دارند اما پرنسیب سیاسی و منافع‌شان در این است که انقلاب را خشونت‌بنامند و جناحی متشکل از فرقه‌های مافیایی و تروریستی رژیم آپارتاید جنسی، قصاص، شلاق و شکنجه، اختناق و سانسور، سنگسار و اعدام را «اصلاح طلب» خطاب کنند. توده‌های مردم، روزی کارنامه سیاه این جریان‌های و شخصیت‌هایی که نان را به نرخ روز می‌خورند و مانند بوقلمون رنگ عوض می‌کنند و هیچ‌گونه صداقت سیاسی و انسانی در گفتار و کردارشان دیده نمی‌شود، باز خواهند کرد و قضاوت عادلانه‌ای نیز خواهند کرد!

خلاصه کلام انتخابات اخیر شوراهای اسلامی شهر و روستا، ورشکستگی جمهوری اسلامی را بار دیگر آشکارتر کرد. ۲۵ میلیون نفر از واجدین شرایط در انتخابات شوراهای اسلامی شرکت نکردند. قطعا این رقم افزایش خواهد یافت. اما همه مطلع هستیم که رژیم جمهوری اسلامی، با انتخابات به حاکمیت نرسیده است تا با انتخاباتی نیز برکنار شود. آرزوی هر انسانی است که جمهوری اسلامی به سهل‌ترین و انسانی‌ترین راه کنار برود و حتا خون از دماغ کسی نیز جاری نشود. اما، آیا تاکنون هیچ حاکم دیکتاتوری به راحتی از حاکمیت کنار رفته است؟! حاکمان قدره‌بند در طول تاریخ بشر، تا آن‌جا که قدرت دارند سرکوب می‌کنند و آدم می‌کشند تا حاکمیت خونین خود را برای چند صباح دیگر نیز

شده نگاه دارند. مهم‌تر از همه فراموش نکنیم که رژیم جمهوری اسلامی، از دل انقلاب ۵۷ مردم ایران، به صورت هیولایی نحیف از شیشه بیرون جهید و به سرعت به موجود وحشی و خون‌آشامی تبدیل شد که ادامه حیات خود را فقط و فقط در سرکوب و کشتار و استثمار شدید مزدبگیران می‌بیند. براین اساس منطق سیاسی و اجتماعی می‌گوید که تنها راه سیاسی و اصولی و انسانی برای بستن کارنامه سیاه جمهوری اسلامی، جز تقویت و شرکت فعال در مبارزه طبقاتی مزدبگیران و مردم محروم و ستم‌دیده برای سرنگونی جمهوری اسلامی، با یک انقلاب اجتماعی راه دیگری وجود ندارد.

۱۰ مارس ۲۰۰۳